اختصاصی خراسان

قاتل فرانک کوچولو در گفت وگو با خراسان شرح داد:

عشق سیاه تا قتل فرزند!

دخترم در آخرین نفس های زندگی اش گفت: «بابا کنارم بخواب!»

سجاد پور- شب بیست و پنجم تیرماه گذشته، حادثه ای تلخ اهالی شهرک نوید مشهد را در شوک فرو برد به گونه ای که ساکنان خیابان شقایق ۱۷ ناباورانه در جست وجوی علت و انگیزه قتل هولناک فرانک کوچولو به دست پدرش بودند اما هیچ کس از راز این جنایت تکان دهنده خبر نداشت تا این که حضور قاضی ویژه قتل عمد در محل، کنجکاوی ها را بیشتر کرد. نیروهای اورژانس قاتل ۳۵ ساله را که به خاطر مسمومیت حال مناسبی نداشت به بیمارستان امام رضا(ع) منتقل کرده بودند و او هم قادر به سخن گفتن نبود اما کشف چند صفحه دست نوشته در «اتاق مرگ» راز این جنایت وحشتناک را فاش کرد. بررسی های میدانی قاضی دکتر حسن زرقانی که تا پاسی از شب طول کشید بیانگر آن بود که مرد ۳۵ ساله ای به نام «فراز» به دلیل اختلافات خانوادگی دختر پنج ساله اش را با خوراندن شربت متادون (داروی ترک اعتیاد) به قتل رسانده و سپس با بازگذاشتن سه شیر گاز

قاتل فرانک در حال انتقال به دادسرا

عکس: خراسان

انتقال داد و سپس با اورژانس تماس گرفت که همزمان با رسیدن نیروهای امدادی، مشخص شد فرانک کوچولو علایم حیاتی ندارد اما آن ها پدر فرانک را که هنوز نفس می کشید به مرکز درمانی انتقال دادند. دو روز بعد از بهبودی «فراز» که از مرگ نجات یافته بود، تحقیقات پلیسی برای کشف انگیزه و ریشه این جنایت هولناک با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی زرقانی آغاز شد و او توسط ستوان قرایی (رئیس تجسس کلانتری سپاد) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت و به قتل دختر معصوم با انگیزه اختلافات خانوادگی اعتراف کرد. این قاتل سنگدل در حاشیه بازجویی های قضایی، به سوالات خبرنگار خراسان درباره سرگذشت خود و چگونگی این ماجرای دلخراش پاسخ داد. آن چه می خوانید ادعای قاتل فرانک کوچولو در گفت وگوی ۲ ساعته با خبرنگار خراسان است.

نامت چیست: فراز-ب

چند سال داری؟ متولد ۱۳۶۵ هستم.

تا چه مقطعی تحصیل کردی؟ نتوانستم دیپلم بگیرم، درواقع دیپلم ردی هستم!

چرا؟ همان سال مادرم فوت کرد من هم دیگر در امتحانات شرکت نکردم.

مادرت بیمار بود؟ نه! سکته کرد البته قبل از آن سه بار سکته کرده بود بار چهارم جان سپرد.

پدرت زنده است؟ نه! اوهم حدود ۱۰ سال قبل در ۸۵ سالگی فوت کرد.

چند خواهر و برادر داری؟ پدرم سه زن داشت که مادر من آخرین همسر او بود! در واقع ۹ خواهر و برادر هستیم اما با برادران و خواهران ناتنی رابطه ای نداریم. من دو برادر دارم که یکی از آن ها نابیناست و دیگری هم که مرا از مرگ نجات داد مشکلات روحی و روانی دارد.

با همسرت چگونه آشنا شدی؟ در روزهایی که پدرم فوت کرده بود من خیلی مغموم و ناراحت بودم که یکی از دوستانم «ر» را به خانه‌ام آورد و گفت این خانم جا و مکانی برای خواب ندارد! اجازه بده امشب را در منزل شما بماند! ولی من قبول نکردم! به او گفتم ما این جا آبرو داریم و دختری را به خانه راه نمی دهم! آن زمان در منطقه آزادشهر ساکن بودیم ولی با اصرار دوستم پذیرفتم که یک شب را در خانه ما بماند چرا که دوستم مدعی بود «ر» کسی را ندارد.

با همین خانم ازدواج کردی؟ بله! بعد از این ماجرا او مرا جادو کرد به طوری که نمی توانستم به خواسته هایش بی توجهی کنم! او گفت من همین جا در منزل شما می مانم و امور خانه و آشپزی و شست و شورا انجام می دهم چون شما در این خانه با این اوضاع برادرانت به یک زن نیاز داری. من هم که جا و مکانی برای زندگی ندارم! و... البته تا یک ماه مقاومت کردم ولی بعد دیدم برایم مهم شد. به او علاقه مند شدم در واقع یک عشق جادویی بود! ولی با او شرط کردم که نباید باردار شود تاکید کردم که اگر صاحب فرزند شوی، حتما بیرونت می کنم! او هم قبول کرد و به عقد موقت من درآمد.

پس چه شد که فرانک را به دنیا آورد؟ تا چند سال صاحب فرزند نشدیم اما همان طور که گفتم او با عشق سیاهش مرا جادو کرده بود! حرف شنوی عجیبی داشتم بعد از حدود ۴ سال روزی مدعی شد که دچار افسردگی شده است. او را نزد پزشک بردم اما در بین راه گفت را استش می دانم داروی افسردگی من چیست! اگر صاحب فرزند شوم بیماری ام درمان می شود! من هم قبول کردم و او باردار شد ولی من خوشحال نشدم. ناراحت بودم که او بالاخره کار خودش را کرد!

اختلاف شما از کجا شروع شد؟ همسرم معتاد به «شیشه» بود. به او گفتم باید مواد مخدر صنعتی را کنار بگذاری! اما او فقط مرا سر کار می گذاشت و به مصرف مواد ادامه می داد.

خودت معتادی؟ من نه! متادون مصرف می کنم! قبلا تریاک می کشیدم.

اولین بار کجا و چگونه مواد مصرف کردی؟ حدود ۲۰ سالم بود که با یکی از دوستانم مصرف کردم. او از من بزرگ تر بود و به من خیلی بها می داد. بعد هم استعمال تفریحی را شروع کردم.

نام «فرانک» را چه کسی انتخاب کرد؟ من خودم انتخاب کردم چون نام بیشتر اطرافیانم و خودم با «ف» آغاز می شد.

دخترت را دوست نداشتی؟ اول نه! ولی بعد مهرش به دلم نشست و همه چیزم شد ولی وابستگی عجیبی به مادرش داشت به حدی که اگر مادرش در حالت خواب از او فاصله می گرفت بلافاصله بیدار می شد! باید حتما دست در دست مادرش به خواب می رفت! وقتی مادرش نبود آسمان و زمین را با گریه به هم می دوخت! حتی در خواب هم بوی مادرش را حس می کرد.

چرا همسرت تورا ترک کرد؟ او معتاد بود و دوست داشت با افراد خلافکار زندگی کند! حتی یک بار دخترم را با خودش برد ولی من او را پیدا کردم و دخترم را باز گرداندم. او می دانست «فرانک» دوری اش را تحمل نمی کند و مرا اذیت می کند به همین دلیل هم هیچ نگرانی نداشت!

در واقع فرانک قربانی اختلافات شما شد؟ نه! من به همسرم گفتم که نمی گذارم دخترم را به خانه افراد خلافکار ببرد ولی او توجهی نکرد. یک بار به خانه بازگشت و اجازه دادم حتی شیشه بکشد اما روز بعد باز هم مرا رها کرد و رفت و گفت می خواهم از تو طلاق بگیرم! من در خانه تو زندانی هستم! تو بچه را جمع کن من هم به دنبال سرنوشت خودم می روم!

آن روز که فرانک از مادرش جدا شد، گریه نکرد؟ چرا! ولی سر او را با خرید شکلات گرم کردم تا مادرش دور شود اما بعد از آن با گریه ها و بیتابی هایش مرا اذیت می کرد.

چه شد که تصمیم به قتل کودک معصوم گرفتی؟ او می گفت: من می خوابم تا مادرم بیاید! وگرنه می میرم! من هم طاقت نیاوردم و تصمیم گرفتم او را از این دنیا خلاص کنم! به او شربت متادون دادم و شیرهای گاز شهری را باز کردم تا خودم را هم بکشم.

آن لحظه چه احساسی داشتی؟ هیچ حسی نداشتم فقط می خواستم او هنگام مرگ زجر نکشد.

برای همین رگ دستانش را با تیغ بریدی؟ بله! تیغ روی اپن بود وقتی دیدم هنگام مرگ زجر می کشد رگ دستانش را زدم ولی خونی نیامد! خودم هم تعجب کردم.

آخرین جمله ای که هنگام مرگ به تو گفت چه بود؟ فرانک به چشمانم نگاه کرد و با اشاره دستش به من گفت: بابا کنارم بخواب! چون به او گفتم تو شربت را بخور! من کنارت می خوابم!

تصویری از فرانک کوچولو

زمانی که به چشمان و صورت دختر نگاه کردی، پشیمان نشدی؟ نه! فقط می خواستم او خفه نشود و زجر نکشد! به او گفتم بخواب وقتی بیدار شوی مادرت هم می آید!

یعنی خودت را مقصر این حادثه تلخ نمی دانی؟ نه! من مقصر نیستم من توسط همسرم جادو شده بودم چه از زمانی که با او ازدواج کردم، چه هنگامی که دخترم را کشتم!

الان چه احساسی داری؟ خودم هم نمی دانم شاید دوست دارم بمیرم!

اگر الان دخترت زنده شود به او چه می گویی؟ می گویم همه تلاشم را می کنم تا مادرت را باز گردانم! که پاپ بکشد! چون دخترم می گفت مادر پاپی شده است (پاپ از ادوات استعمال مواد مخدر صنعتی است) به او می گویم خودم بزرگت می کنم ولی...

آخرین بار چه موقع مانند یک «پدر» به چهره فرانک نگاه کردی؟ به خاطر ندارم!

چگونه فهمیدی قبل از تو جان باخته است؟ با دست زیر بغلش کوبیدم! دیدم از هوش رفته است چون گریه نکرد! رنگ صورتش هم سفید شده بود!

آن زمان هم هیچ احساس پشیمانی نکردی؟ نه! دیگر خسته شده بودم، خیلی برای مادرش بیتابی می کرد!

قبل از آن هیچ وقت تصمیم به قتل فرانک نگرفته بودی؟ نه!

ولی حدود ۱۲ روز قبل از این حادثه، استامینوفن زیاد خورده بود که مادرش او را به بیمارستان برد و بستری شد!

آخرین کلام؟ حرفی ندارم، اشتباه کردم. الان پشیمانم!

در امتداد تاریکی

دختری در دام شیطان اینترنتی!

لحظه ای که احساس کردم «احمد» نقشه ای شیطانی در سر دارد با جیغ و فریاد از او خواستم تا خودرو را متوقف کند. هنگامی که وحشت زده و هراسان از خودرو بیرون پریدم فقط با قدم های بلند از آن مکان گریختم اما...

دختر ۱۶ ساله با بیان این ماجرا به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: با آن که پدرم فردی تحصیل کرده و کارمندیکی از ادارات دولتی در مشهد است اما به خاطر اعتیادش رفتاری خشن و برخوردهای نامناسب با اعضای خانواده دارد به گونه ای که شنیدن جملات محبت آمیز یا نوازش های پدرانه از همان دوران کودکی برایم یک آرزو بود. هر بار که به دلیل رفتارهای خشونت آمیز پدرم به گوشه اتاق پناه می بردم و گریه می کردم، مادرم در کنارم قرار می گرفت و مرا دلداری می داد که باید با این گونه رفتارها و جملات توهین آمیز پدرم مدارا کنم! به همین دلیل گوشی تلفن همراه و جست وجو در فضاهای مجازی تنها سرگرمی من بود و اوقاتم را با ورود به گروه های مختلف اجتماعی سپری می کردم. وابستگی من به گوشی تلفن بعد از شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس بیشتر شد تا جایی که نرم افزارها و اپلیکیشن های متفاوتی را نصب می کردم تا در کلاس های هنری هم شرکت کنم. در حالی که مادرم از قابلیت های گوناگون این اپلیکیشن ها اطلاعاتی نداشت من به راحتی در کانال های مختلف عضو می شدم و با افراد زیادی چت می کردم به همین دلیل دوستان زیادی در فضای مجازی پیدا کرده بودم و بیشتر اوقاتم را با گفت وگو با آن ها می گذراندم تا این که در یکی از همین کانال ها با پسر ۲۵ ساله ای آشنا شدم که خود را پسری مجرد و دانشجوی مقطع فوق لیسانس در یکی از رشته های مهندسی معرفی می کرد. ارتباط تلفنی و پیامکی من و احمد به روابط صمیمانه انجامید تا جایی که دیگر با او درد دل می کردم و مشکلاتم را در میان می گذاشتم. احمد همواره با مهربانی به حرف هایم گوش می داد و راهنمایی ام می کرد به گونه ای که دیگر وابستگی عاطفی عجیبی به او پیدا کردم و دلباخته اش شدم. احمد که مدعی بود قصد ازدواج با مرا دارد پیشنهاد کرد تا یکدیگر را به صورت حضوری ملاقات کنیم. من هم که او را در قامت همسر آینده ام می دیدم و منتظر بودم که روزی به خواستگاری ام بیاید و مرا به درون قصر آرزوهایم ببرد، خیلی سریع پیشنهادش را پذیرفتم و در پارک نزدیک منزلمان با او قرار ملاقات گذاشتم چرا که دوست داشتم هر چه زودتر ازدواج کنم و به دنبال رویاهایم بروم. آن روز وقتی احمد روی نیمکت پارک در کنارم نشست لب به تعریف و تمجید از ظاهر زیبا و رفتار و گفتارم گشود و گفت: «تو همان کسی هستی که سال ها در ذهن و افکارم چهره او را ترسیم کردم.» خلاصه احمد با چرب زبانی مرا به یکی از رستوران های شاندیز برد و تا پاسی از شب با هم به تفریح و خوش گذرانی پرداختیم به طوری که متوجه گذر زمان نشدم. وقتی به خود آمدم که دیگر پاسی از شب گذشته بود. در این هنگام احمد از من خواست تا به ویلای شخصی یکی از دوستانش برویم و تا صبح آن جا بمانیم اما من نپذیرفتم تا این که او به طور ناگهانی مسیر حرکت خودرو را تغییر داد و به سمت مکان نامشخصی حرکت کرد. من که متوجه نقشه شیطانی او شده بودم و از نگاه های هوس آلودش خودم را در معرض یک رسوایی می دیدم با جیغ و فریاد از او خواستم خودرو را متوقف کند ولی او همچنان به فریادهایم بی توجهی می کرد تا این که در یک لحظه تصمیم گرفتم خودم را به بیرون از خودرو پرت کنم. احمد که متوجه موضوع شده بود از ترس پایش را روی پدال ترمز فشرد و من با پای پیاده فرار کردم. وقتی از او دور شدم و اثری از خودروی احمد ندیدم برای دقایقی کنار خیابان نشستم اما در آن ساعت از شب ترسیدم به خانه باز گردم چرا که یقین داشتم کتک مفصلی می خورم. به همین دلیل سوار اتوبوس شدم و به مرکز شهر آمدم. در خیابان ها سرگردان بودم که مورد ظن ماموران انتظامی قرار گرفتم و به کلانتری هدایت شدم. این جا بود که با بررسی های پلیس مشخص شد احمد مردی متاهل و دارای دو فرزند است و من فریب نقشه شیطانی او را در فضای مجازی خورده ام و...

شایان ذکر است با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد علی امارلو (رئیس کلانتری شفا) تحقیقات پلیسی برای کشف زوایای پنهان این پرونده همچنان ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

زورگیران ۲۵۰ تلفن همراه در غرب تهران به دام افتادند

ماموران پلیس، دو زورگیر را که اقدام به سرقت دست کم ۲۵۰ دستگاه تلفن همراه در غرب تهران کرده بودند، دستگیر کردند. به گزارش ایسنا، مدتی قبل ماموران گشت کلانتری مرزداران، به رفتار راکب و ترک نشین موتورسیکلتی در بولوار مرزداران مشکوک شدند و آن ها را دستگیر کردند که در بازرسی از آنان هشت تلفن همراه کشف و ضبط شد. سرانجام دو متهم با پذیرش بزه انتسابی به سرقت ۲۵۰ دستگاه تلفن همراه به شیوه زورگیری از شهروندان در غرب تهران اقرار کردند که تاکنون پنج نفر از مال باختگان شناسایی شده اند.

قاتل مسلح در درگیری با پلیس کشته شد

تو کلی/ قاتل و شرور مسلح در درگیری با نیروهای پلیس عنبرآباد به هلاکت رسید. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان عنبرآباد در این باره گفت: یک شنبه گذشته در درگیری مسلحانه ماموران انتظامی شهرستان عنبرآباد با قاچاقچیان مواد مخدر، یک دستگاه خودروی تیبا به همراه مقادیری موادمخدر از نوع تریاک توقیف و یک شرور سابقه دار با شلیک گلوله پلیس به هلاکت رسید. قاضی ابراهیم سلیمانی افزود: این شرور، سابقه انجام جرایم خشنی از جمله ارتکاب قتل در شهرستان جیرفت را در پرونده سیاه خود به ثبت رسانده و تحت تعقیب قضایی قرار داشت. وی ادامه داد: طبق تحقیقات اولیه دیگر عوامل این باند نیز شناسایی شدند و دستورات قضایی ویژه و لازم برای دستگیری آنان صادر شده است.

آگهی مناقصه نوبت دوم

شهرداری نیشابور در نظر دارد از محل اعتبارات بودجه نسبت به بکارگیری راننده به همراه خودروهای سبک و سنگین مورد نیاز خود بصورت پیمانکاری جهت ستاد، مناطق و سازمان‌ها از طریق برگزاری مناقصه اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به سایت شهرداری نیشابور به آدرس www.neyshabur.ir مراجعه و اسناد را دریافت نمایند. کلیه جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است.

اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد صلاحیت جهت شرکت در مناقصه شامل:

۱- شرکت‌های حمل و نقل درون شهری
۲- تاکسی تلفنی‌های دارای پروانه کسب
۳- اشخاص حقیقی واجد صلاحیت مورد تایید شهرداری
۴- سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی که از مراجع قانونی ذیربط دارای مجوز حمل و نقل درون شهری می‌باشند.

• آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت در ۲ پاکت مهر و موم به دبیرخانه شهرداری پایان وقت اداری (ساعت ۱۳) روز شنبه ۱۴۰۰/۵/۹ می‌باشد.
• هزینه آگهی مناقصه به عهده برندگان مناقصه است.

ردیف	نوع و مدل خودروهای مورد نیاز	تعداد
۱	سواری مدل ۹۰ شمسی به بالا شامل: سمند- پژو ۴۰۵- ال ۹۰- ۲۰۶ به جز تاکسی، پراید، پژو آردی، پی کی و پیکان	۶۸ دستگاه
۲	نیسان مدل ۸۸ شمسی به بالا	۴ دستگاه
۳	خاور داری اتاق کمپرسی مدل ۸۲ شمسی به بالا	۲ دستگاه
٤	تراکتور بیل عقب مدل ۷۷ شمسی به بالا	۱ دستگاه
۵	کامیون ده تن مدل ۷۷ شمسی به بالا (کمپرسی)	۳ دستگاه
٦	وانت پیکان مدل ۸۷ شمسی به بالا	۸ دستگاه
۷	مزدا دوکابین مدل ۸۹ شمسی به بالا	۱۳ دستگاه
۸	خودرو تخلیه چاه فاضلاب مدل ۶۷ شمسی به بالا	۱ دستگاه
۹	نیسان کمپرسی مدل ۸۸ شمسی به بالا	۴ دستگاه
۱۰	لودر	۱ دستگاه
۱۱	تانکر آبیاری ۱۴/۰۰۰ لیتری	۶ دستگاه
۱۲	تانکر آبیاری ۲۰/۰۰۰ لیتری	۲دستگاه
۱۳	خاور آبیاری ۵/۰۰۰ لیتری	۱ دستگاه
۱۴	بیل بکهو	۱ دستگاه
۱۵	غلطک کششی زیرسازی با تراکتور	۱ دستگاه

علی مختاری - معاون توسعه مدیریت و منابع شهرداری نیشابور
ع/۱۴۰۰۲۵۵۴۹

آگهی مناقصه عمومی
شماره مناقصه ۱۹

موضوع: خرید آهک فله مش صفر جهت پوشش و استفاده در ترانشه دفن زباله های بیمارستانی و لاشه سگهای ولگرد

مبلغ برآورد اولیه: ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http:\\ ets.mashhad.ir مراجعه نمائید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir درج می گردد.

سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
ع/۱۴۰۰۲۵۵۵۴

آگهی مناقصه عمومی
شماره مناقصه ۲۰

موضوع: خرید لاستیک، نوار و تیوپ جهت ماشین آلات سازمان

مبلغ برآورد اولیه: ۱۱،۸۶۳،۱۴۵،۲۸۰ ریال

جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http:\\ ets.mashhad.ir مراجعه نمائید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir درج می گردد.

سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
ع/۱۴۰۰۲۵۵۵۱

« آگهی فراخوان عمومی شناسایی پیمانکاران
تولید کننده دوربین های مداربسته و تجهیزات مربوط به آن »

آستان قدس رضوی در نظر دارد نسبت به شناسایی، ارزیابی و تعیین اولویت پیمانکاران واجد شرایط در خصوص« دوربین های مدار بسته و تجهیزات مربوط به آن» اقدام نماید، لذا واجدین شرایط جهت مشاهده کامل متن آگهی و شرایط به آدرس http://dev.razavi.ir بخش مناقصات مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۳ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۳ مدارک و مستندات مربوطه به آدرس : مشهد، چهارراه شهدا سازمان مرکزی آستان قدس رضوی دبیرخانه معاونت مالی و پشتیبانی آستان قدس رضوی کد پستی ۹۱۳۳۷۴۳۵۸۸ تحویل نمایند. در صورت هرگونه سوال با شماره تلفن های ۰۵۱۳۲۰۰۱۰۵۳ یا ۰۵۱۳۲۰۰۱۴۲۰ تماس حاصل نمایید.

مدیریت پشتیبانی آستان قدس رضوی

آستان قدس رضوی

ع/۱۴۰۰۲۴۶۸۸

فراخوان مشارکت

شرکت سهامی زراعی بهکده رضوی در نظر دارد جهت فعالیت های خود در حوزه های کشاورزی و باغبانی ، دام سنگین و سبک ،مرغداری ، شیلات گلخانه و صنایع وابسته با اشخاص حقیقی و حقوقی در چارچوب مقررات قانون شرکت های سهامی زراعی کشور مشارکت نماید. متقاضیان حداکثر تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۱ درخواست ها و رزومه کاری خود را به شماره فکس ۰۵۸۳۲۴۴۸۲۱۶ و یا به آدرس خراسان شمالی شهرستان مانه و سملقان روستای بهکده رضوی شرکت سهامی زراعی بهکده رضوی ارسال نموده و جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۰۹۱۵۵۸۵۲۷۸۹ و ۰۹۰۱۲۸۷۷۹۷۷ تماس حاصل نمایند .

شرکت سهامی زراعی بهکده رضوی

ع/۱۴۰۰۲۵۵۴۷